

سیر تحولات ادبیات تطبیقی در اردن

(از پژوهش‌های سنتی تا نقد فرهنگی تطبیقی)

تورج زینیوند^{۱*}، روژین نادری^۲

۱. دانشیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی

دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۲

چکیده

اگرچه تاریخچه ادبیات تطبیقی در کشور اردن همگام و همپای دیگر کشورهای عربی از جمله مصر نبوده است، این کشور نمونه دیگری از رشد ادبیات تطبیقی در جهان عرب را عرضه می‌کند. تطبیقگران اردنی نخست تأثیر و تأثر آثار پیشین ادبیات عربی و سایر ملل به ویژه غرب را بررسی می‌کردند؛ لذا پژوهش‌های دوره نخست بیشتر بر محور ادبیات سنتی و پیشین و به طور خاص شعر می‌چرخید. با ظهور مدرنیسم، پژوهش‌های تطبیقی در اردن نیز وارد مرحله جدیدی شد. تطبیقگران در صدد کشف میزان اثراپذیری ادبیان عرب‌زبان از تحولات ادبیات جهانی و جنبش‌های آزادی‌بخش غرب برآمدند. توجه به سایر شاخه‌های ادبیات در کنار شعر، داستان و نمایشنامه از ویژگی‌های پژوهش‌های تطبیقی این دوره است. با رشد ملی‌گرایی و پان‌عربیسم و همچنین نقد روش‌ها و نظریات کشورهای سابق استعمالگر جهان، تطبیقگران اردنی دریافت که پاشاری‌های نخنماشده برای ردیابی خاستگاه اثر ادبی، دیگر مطلوب و شایسته ادبیات تطبیقی نیست. از این رو پژوهش‌های تطبیقی پسامدرنیسم به عرصه مطالعات تطبیقی اردن گام نهاد. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در صدد است تا ضمن بیان تاریخ تحول ادبیات تطبیقی در اردن، به دوره پژوهش‌های تطبیقی آثار سنتی (المقارنات التراثیة)، پژوهش‌های تطبیقی ادبیات عصر تجدد (المقارنات أدب الحداثة) و پژوهش‌های تطبیقی - فرهنگی ادبیات عصر پساتجدد (المقارنات الثقافية وما بعد الحداثة) پردازد و تحولات این دانش را در این کشور عربی بررسی و تحلیل کند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات تطبیقی، اردن، پژوهش‌های سنتی، مدرنیسم و پسامدرنیسم، نقد فرهنگی.

E-mail: t_zinivand56@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله:



۱. مقدمه

باینکه تحقیقات در حوزه ادبیات تطبیقی در کشورهای عربی چشمگیر است (حضور فرانسوی‌ها در کشورهای عربی و ارتباط عرب‌ها با کشورهای غربی موجب رشد این رشته در جهان عرب شده)، فهم دقیق و واقعی ادبیات تطبیقی در این کشور به دلایل متعددی با گندی همراه بوده است. همین درد برخی از تطبیقگران عرب‌زبان را به فریاد آورده است که چرا ادبیان عرب به جای ادبیات تطبیقی به تطبیق تأثیر و تأثیر پرداخته‌اند. با همه گندی‌های مذکور، سنگ بنای حوزه ادب تطبیقی را روحی‌الحالی و محمد غنیمی هلال بنا نهادند. بنابر اسناد تاریخی، تدریس ادبیات تطبیقی در مصر در سال ۱۹۳۸م در دانشکده دارالعلوم قاهره شروع شد. پس از بازگشت غنیمی هلال از سورین به مصر، به‌طور رسمی در سال ۱۹۴۵م ادبیات تطبیقی توسط متخصصان تدریس شد. دانشگاه لبنان در سال ۱۹۶۲م، دانشگاه بصره در سال ۱۹۷۲م و دانشگاه کویت در سال ۱۹۷۵م با حضور نازک ملاٹکه و دانشگاه یرموق اردن در سال ۱۹۷۶م با حضور یوسف بکار این رشته را تأسیس کردند. در میان عرب‌ها، مصری‌ها نخستین توجهات را به ادبیات تطبیقی نشان دادند و بیشتر کتاب‌های مرتبط با حوزه ادبیات تطبیقی را تألیف یا ترجمه کردند.

اردن از جمله کشورهای عرب‌زبانی است که فعالیت‌های حوزه ادبیات تطبیقی در آن سابقه‌مند است. باینکه دانش ادبیات تطبیقی در این کشور همگام با سایر کشورهای جهان عرب همچون مصر نشو و نما نیافته و آثار پژوهشگران اردنی در این حوزه ادبی چندان شناخته‌شده نیست، معرفی این آثار به جهان ادبیات به عزم و نیروی مدرسان این رشته در دانشگاه‌های اردن وابسته است. افزون‌بر این، پژوهش‌های تطبیقی شاهد تحولات مهمی در اردن بوده است. ادبیات تطبیقی در اردن، از ابتدای ظهورش، گام‌های بلندی برداشته است. این رشته که در آغاز صرفاً به دنبال کشف تأثیرات یا یافتن شباهت‌ها بود، اکنون حوزه‌ای برای تجلیل و ستایش تفاوت‌ها شده است. تطبیقگران اردنی ابتدا تحت تأثیر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی و تأکید آن بر روابط واقعی^۱ آثار ادبی بودند و فقط به روابط و تأثیراتی توجه می‌کردند که بتوان از لحاظ تاریخی آن‌ها را اثبات کرد. ایشان به بررسی تأثیر و تأثیر آثار پیشین ادبیات

عربی و سایر ملل بهویژه غرب می‌پرداختند؛ از این رو پژوهش‌های دوره نخست بر محور ادبیات سنتی و پیشین و به طور خاص شعر می‌چرخید. احسان عباس، ابراهیم ملجم، خلیل الشیخ و زیاد الرعیبی در این دوره آثار ارزشمندی بر جای نهادند. با ظهور مدرنیسم، پژوهش‌های تطبیقی در اردن نیز وارد مرحله جدیدی شد. تطبیقگران در صدد کشف میزان اثربودیری ادب عرب‌زبان از تحولات ادبیات جهانی و جنبش‌های آزادی‌بخش غرب در آثار وی برآمدند. توجه به سایر شاخه‌های ادبیات در کنار شعر، داستان و نمایش‌نامه از ویژگی‌های پژوهش‌های تطبیقی این دوره بوده است. محمد شاهین، بسام ریابعه و علی الشرع از پژوهشگران دوره دوم تحولات پژوهش‌های تطبیقی در اردن هستند. با رشد ملی‌گرایی و پان‌عربیسم و همچنین نقد روش‌ها و نظریات کشورهای سابقاً استعمارگر جهان، تطبیقگران اردنی دریافتند که پافشاری‌های خنماشده برای ردیابی خاستگاه اثر ادبی دیگر مطلوب و مقصود ادبیات تطبیقی نیست. از این رو پژوهش‌های تطبیقی پسامدرنیسم به عنوان مطالعات تطبیقی اردن گام نهادند. عزالدین المناصره، محمد شاهین و فخری صالح پژوهشگران برجسته این مرحله هستند. بر اساس آنچه گذشت، می‌توان گفت خط‌مشی پژوهش‌های تطبیقی در اردن را بر سه محور اساسی می‌توان دسته‌بندی کرد:

1. پژوهش‌های تطبیقی آثار کلاسیک و سنتی (المقارنات التراثیة)،
2. پژوهش‌های تطبیقی ادبیات عصر تجدد (المقارنات أدب الحداثة)،
3. پژوهش‌های تطبیقی - فرهنگی ادبیات عصر پساتجدد (المقارنات الثقافية وما بعد الحداثة).

تبیین این سه دوره هدف پژوهش حاضر است. نگارندگان ضمن بررسی سبک سنتی، مدرنیسم و پسامدرنیسم در پژوهش‌های تطبیقی اردن، به معرفی تطبیقگران این کشور - که غالباً ناشناخته هستند - و بررسی آثار آن‌ها پرداخته‌اند تا مسیر پژوهشگران و تطبیقگران را به سمت بازنگری مکاتب تطبیقی، نقدی و ادبی و همچنین آثار هنری و چالش‌های زیرساختی آن‌ها جهت دهنند. نکته شایان ذکر آن است که برخی از پژوهشگران از کشورهای مختلف از جمله فلسطین و اردن آمده و در این کشور رحل اقامت گزیده و به نشر آثاری در حوزه



ادبیات تطبیقی پرداخته‌اند؛ این افراد هرچند متولد اردن نیستند، از آنجایی که ساکن این کشور بوده و در دانشگاه‌های آن سرزمین تدریس کرده و با تأثیفات خود در تحولات پژوهش‌های تطبیقی اردن مؤثر افتاده‌اند، لذا در جستار حاضر از آن‌ها و آثارشان نیز یاد شده است.

۱-۱. پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ ادبیات تطبیقی و تحولات آن در جهان عرب، پژوهش‌هایی انجام شده است که در ادامه به شماری از آن‌ها اشاره می‌شود. سعید علوش در بخش دوم کتاب *مدارس الأدب المقارن؛ دراسة ومنهجية* (1987) روشی تحلیلی - نقدی را درپیش گرفته و وضعیت تطبیقگران عربی و تدریس ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های عربی را بررسی کرده است. معروفی آثار تطبیقی مطرح در جهان عرب، شرح و تفسیر آرای متقدانی که این آثار را نقد کرده‌اند و ادامه سیر کار آن‌ها از امتیازات کتاب علوش محسوب می‌شود؛ زیرا همواره «بررسی اهمیت و عدم اهمیت یک منتقد یا نظریه در بافتی ملی یا بین‌المللی از خدمات دیگر تطبیقگران به تاریخ نقد است» (پراور، 1391: 149). *الأدب المقارن*، تألیف یوسف بکار و خلیل الشیخ (1996) ضمن بررسی تحولات ادبیات تطبیقی در فرانسه، امریکا و اروپای شرقی، ادبیات تطبیقی در جهان عرب و به‌طور خاص مصر و فلسطین را واکاوی کرده است. عبدالله عبود در بخش دوم کتاب *الأدب المقارن مشكلات وآفاق* (1999) با روشی تحلیلی - نقدی آثار تطبیقی بر جسته تطبیقگران جهان عرب را تبیین کرده است. حسام الخطيب در کتاب *آفاق الأدب المقارن عربياً و عالمياً* (1999) دیدگاه‌های طیف وسیعی از تطبیقگران جهان عرب تا دهه نود را تحلیل و نقد کرده است. عباس عبدالحليم عباس در تحولات الدرس الأدبي المقارن: عزالدين المناصرة نموذجاً (2012) ضمن تشریح تحولات پژوهش‌های ادبیات تطبیقی در جهان عرب، آرای عزالدين المناصره، یکی از تطبیقگران اردنی در حوزهٔ ادبیات تطبیقی، را بررسی و تبیین کرده است. فریال جبوری غزول در مقاله «ادبیات تطبیقی در جهان عرب» (ترجمهٔ فارسی از سحر غفاری در 1393) نگاهی جامع به ظهور ادبیات تطبیقی در جهان عرب و سیر تحولات آن در کشورهای عربی دارد. ناهید حجازی در مقاله «پیدایش و رشد ادبیات تطبیقی در مصر و برخی

کشورهای عربی» (1390) شرایط و زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی پیدایش ادبیات تطبیقی در مصر، روند تحولات آن و وضعیت فعلی ادبیات تطبیقی در این کشور را مورد بررسی قرار داده است.

2. بحث و بررسی

2.1. پژوهش‌های تطبیقی آثار کلاسیک و سنتی (المقارنات التراثیة)

تطبیقگران اردنه، همچون سایر تطبیقگران جهان عرب، در ابتدا در پژوهش‌های خود از دستاوردهای تطبیقگران غرب تقلید می‌کردند و پاییند مکتب قدیمی و پوزیتیویسم فرانسه بودند و درواقع ادبیات تطبیقی همواره درسی املاشده از غرب بود و اساس تحلیل و بررسی، صرفاً تاریخ ادبیات، مکاتب و سنت ادبی غرب بهشمار می‌آمد. این امر سبب شد پژوهشگران پا را از مکتب فرانسه فراتر نگذارند. در چرایی چنین برداشت و پژوهش‌هایی می‌توان گفت شتاب‌زدگی و تخصص نداشتن مؤلفان در این حوزه از پژوهش‌های ادبی از علل اصلی این امر است که موجب آسان دانستن مطالعه ادبیات تطبیقی در نگاه پژوهشگران اردنه شده است. «همین نگاه ساده و بدون تأمل به اصطلاح ادبیات تطبیقی است که سبب گشته تعداد کتاب‌های نظری تأليف شده در جهان عرب از تعداد کتاب‌های نظری تأليف شده در این زمینه در کشورهای دیگر بیشتر باشد» (اصطیف، 2007: 24). بدین ترتیب، طولی نکشید که پژوهشگرانی به عرصه پژوهش‌های تطبیقی گام نهادند که تحت تأثیر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی به بررسی روابط تاریخی آثار ادب عربی با آثار ادبی سایر ملل پرداختند.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد عزالدین المناصره (1946)، شاعر و ناقد فلسطینی تبار و ساکن اردن، با عنوان *بیگمالیون توفیق الحکیم و برناردو شو*³ (1969) نمونه بارز این نوع پژوهش است. مناصره در این پژوهش به اثربداری نمایش‌نامه‌نویس عرب‌زبان یعنی توفیق الحکیم از نویسنده ایرلندی جرج برنارد شاو⁴ پرداخته است. بیگمالیون شاور از نمایش‌نامه‌هایی است که اهمیت زیادی یافته و این امر معطوف به دور بودن مضمون این نمایش‌نامه از مشکلات اجتماعی و سیاسی و تمکر آن بر بعد انسانی است:



شاو در این نمایشنامه به حل مشکل اختلاف طبقاتی جامعه پرداخته است. از طرف دیگر، توفیق الحکیم که تحصیل کرده اروپا و متأثر از آرای فلسفی غرب بود، توانست با الهام از نمایشنامه بیگمالیون شاو، نمایشنامه‌ای با همین عنوان - بیگمالیون - بنویسد. موضوع اصلی نمایشنامه بیگمالیون حکیم به مشکل هنرمند و تفکیکش بین هنر و زندگی مربوط می‌شود (المناصره، ۲۰۰۵: ۵۳۷).^۵

مناصره همچنین با نگارش رساله دکتری خود با عنوان «تأثیر متقابل؛ شعر بلغاری (مطالعه موردی: نیکولا واپتساروف) و شعر معاصر فلسطینی»^۶ (۱۹۸۱) به حضور تاریخی فرهنگ بلغاری در آثار و منابع ادب عربی اشاره می‌کند:

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، روزنامه‌های عربی به ذکر اخبار و وقایع سیاسی و نظامی بلغارستان پرداختند. [...] از اواسط دهه پنجاه، ترجمة آثار ادبی بلغاری به زبان عربی شروع شد. *فؤاد الخشن*^۷ در دیوانی با عنوان *الدیوان البلغاری*، گزیده‌هایی از اشعار بلغاری را به زبان عربی گرد آورد. [...] سوریه بیشترین اهتمام را در ترجمة ادبیات بلغاری داشته و ادبیان لبنانی بیشترین توجه را به نیکولا واپتساروف^۸ داشته‌اند (همان، ۵۴۸).

«تأثیر ویلیام فاکنر بر رمان نجمة كاتب ياسين»^۹ و «تأثیر ویلیام فاکنر بر رمان ما تبقى لكم غسان كنفانی»^{۱۰} (۱۹۸۴) از دیگر پژوهش‌های سنتی تطبیقی مناصره است که به بررسی اثرپذیری کاتب ياسين و غسان كنفانی، دو نویسنده عرب‌زبان، از رمان خشم و هیاهو^{۱۱} نوشته ویلیام فاکنر^{۱۲} پرداخته است.^{۱۳}

مناصره همچنین در فصل هفتم کتاب *نقد فرهنگی تطبیقی*^{۱۴} (۲۰۰۵)، مقاله‌ای با عنوان «متن و دیگر؛ موسحات اندلس و شعر تروپادور»^{۱۵} را ذکر کرده است. تاریخچه موسحه و شعر تروپادور^{۱۶}، بررسی اجزا، دیدگاه نقادان و ادبیان و بررسی شباهت‌های ساختاری و محتوایی آن‌ها از جمله مباحثی است که مناصره به آن‌ها پرداخته است.

از دیگر تطبیقگران می‌توان به یوسف بکار (۱۹۴۲)، ادیب و فارسی‌پژوه اردنی اشاره کرد. وی در سال ۱۹۷۲ م از دانشگاه قاهره در رشته زبان و ادبیات عربی دانش‌نامه دکتری گرفت. از

سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ در دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس زبان و ادبیات عربی پرداخت. سپس در گروه ادبیات عربی دانشگاه یرومک تدریس کرد. بکار در معرفی خیام به عرب‌زبانان تلاش‌های بسیاری کرده است. وی تاکنون پانزده عنوان کتاب و مقاله درباره ترجمه‌های عربی ریاعیات خیام و افکار خیامی نوشته است. این پژوهشگر بر جسته در زمینه نقد ادبی، ادبیات تطبیقی و مباحث ادبی نیز آثار فراوانی دارد. بکار به پیشنهاد و همراهی غلامحسین یوسفی، در سال‌های پیش از انقلاب، بنیان‌گذار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد بوده است و از طرف دولت اردن در آن سال‌ها به مدت هشت سال به این دانشگاه اعزام شد، به تدریس زبان و ادبیات عرب پرداخت، همان‌جا نیز فارسی را آموخت و با ادبیات ایران آشنا شد (نادری، ۱۳۹۳: ۸۶). از پژوهش‌های تطبیقی وی عبارت‌اند از: «شاعران ایرانی در ادب عربی»^{۱۷}، «زبان و ادبیات فارسی در سرزمین‌های عربی»^{۱۸}، اوهامی در نوشتۀ‌های عرب درباره خیام،^{۱۹} عمر خیام و ریاعیات او در آثار پژوهندگان عرب،^{۲۰} «جلال‌الدین رومی در آثار دانشمندان و محققین عرب»^{۲۱} و ریاعیات خیام در ضیافت شعر عربی.^{۲۲}

نقد و تحلیل همه پژوهش‌های تطبیقی بکار مجالی فراخ می‌طلبید؛ از این رو نگارندگان یکی از آثار او یعنی ریاعیات خیام در ضیافت شعر عربی را بررسی کرده‌اند. یکی از اهداف نویسنده در اثر نامبرده نشان دادن اشتیاق تعداد زیادی از پژوهشگران و شاعران و مترجمان عرب به ریاعیات خیام است که آن‌ها را واداشته سال‌ها به تحقیق و تفحص و ترجمۀ این سرودها پردازنند. هدف دیگر نویسنده گشودن باب نقد و تحلیل و تفسیر فنی و ادبی درباره ترجمه‌های است که پژوهشگران فارسی را نیز مفید می‌افتد و از جمله مباحث بلاغی به‌شمار می‌آید. از دیگر ویژگی‌های کتاب گنجانیدن شرح احوال، آثار و افکار مترجمان در آغاز هر بخش است که در ادب معاصر عرب نقش مهمی ایفا کرده و نام و آوازه خیام شاعر دانشمند و حکیم فرزانه مسلمان ایرانی را در سرزمین‌های خود زنده نگه داشته است. آوردن متن انگلیسی برخی از ریاعیات که غالباً از شاعر و مترجم انگلیسی، فیتزجرالد^{۲۳} است و اشاره به کوشش‌های برخی دیگر از شرق‌شناسان از امتیازات دیگر این کتاب است.



شمار مترجمانی که رباعیات را به نظم کشیده‌اند، ۵۲ نفر است. دو نفر از این مترجمان، یعنی مصطفی و هبی التل^{۲۴} و الزهاوی^{۲۵}، هریک دو ترجمه دارند و ابوشادی^{۲۶} نیز منظومه‌ای دارد و ترجمه‌ای. نکته مهم این است که همگی این افراد از اطراف و اکناف میهن عربی برخاسته‌اند؛ از مصر، عراق، لبنان، اردن، سوریه، فلسطین، بحرین، عربستان سعودی و مراکش. از نظر فنی، ۳۳ ترجمه و منظومه به شعر است و فقط یکی از آن‌ها به شعر جدید (آزاد) پانزده ترجمه به نثر است و هفت منظومه و ترجمه محلی و عامیانه است؛ سه عراقي، سه مصرى و یک لبنانى.

ملامح یونانیة فی الأدب العربية نوشته احسان عباس^{۲۷} (۱۹۷۷) از دیگر پژوهش‌های تطبیقی سنتی است. مؤلف در این اثر به بررسی آثار ادبی آن روزگار و کشف روابط تاریخی آثار عربی با ادبیات سایر ملت‌ها، بهویژه یونانی‌ها، و ردیابی خاستگاه اثر ادبی پرداخته است. در این کتاب، پژوهش‌های تطبیقی آن روزگار همچون بررسی تطبیقی اشعار متبنی، حکمت‌های افلاطون و ارسطو، افسانه‌های ایرانی، هندی و یونانی و همچنین اثربازیری ابن‌رشد^{۲۸} و بیرونی^{۲۹} از آثار یونانی و هندی ذکر شده است (ر.ک: عباس، ۱۹۹۳: ۳۰-۳۲). زیاد صالح الزعبي (۱۹۵۵) نویسنده و استاد دانشگاه یرموق اردن است. وی در مقاله «تأثیر ادب عربی در اشعار غنایی و عاشقانه آلمانی»^{۳۰} تبادلات فرهنگی میان تمدن اسلامی و اروپای قرون‌وسطای آن روزگار از جمله اثربازیری آلمانی‌ها از شعر تغزی عرب‌های اندلس را تحلیل کرده است:

شاعران تروپادورسراي فرانسوی نخستین افرادی بودند که در اروپا به شعر غنایی روی آوردند و البته از تقليد موشحات و زجلیات عرب‌های اندلس پا فراتر نگذاشتند. [...] تأثیر فرهنگی عرب اندلس بر تحولات شعر غنایی، سایر سرزمین‌های اروپا را نیز تحت الشاعر قرار داد؛ تا آنجا که شعر آلمان را نیز تحت تأثیر قرار داد (الزعبي، ۲۰۰۱: ۳۹ و ۶۱).

خلیل الشیخ (۱۹۵۴) نویسنده و استاد دانشگاه یرموق اردن است و به زبان آلمانی تسلط دارد؛ از این رو آثار آلمانی بسیاری را به زبان عربی ترجمه کرده است؛ از جمله

پسآرمان شهرها^{۳۱} نوشتۀ هلموت بتیگر،^{۳۲} برادران سیاه^{۳۳} اثر هانس بندر^{۳۴} و روزمرگی‌ها^{۳۵} اثر فرانس کافکا.^{۳۶} از آثار تطبیقی او کتابی است با عنوان ادبیات تطبیقی که با همکاری یوسف بکار نوشته است. آن‌ها در این کتاب مکتب فرانسوی، امریکایی و اروپایی شرقی ادبیات تطبیقی و تاریخچه ادبیات تطبیقی در جهان عرب و وضعیت کنونی این شاخۀ ادبی در دانشگاه‌های عربی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. البته فصل‌های پایانی کتاب شامل بررسی تأثیر و تأثیر آثار عربی و غربی، از جمله اثی‌پذیری حکایت‌های لافوتن از کلیله و دمنه‌ی عبدالله بن المقفع و تأثیر نامۀ آمرزش^{۳۷} ابوالعلا معزی بر کمدی‌الهی دانته است.

ابراهیم احمد ملحم (۱۹۶۴) نویسنده اردنی و استاد دانشگاه امارات متحده عربی از دیگر پژوهشگران اردنی است که تأثیر و تأثیر میان آثار عربی و غربی را مطمح نظر قرار داده است. از جمله آثار تطبیقی وی عشق در شعر شاعران تروپادور و تأثیر آن در غزل عصر اموی^{۳۸} (۲۰۰۰) و شعر شفاهی و تطبیق آن با شعر جاهلی؛ مطالعه موردى: تطبیق جیمز مونرو^{۳۹} (۲۰۰۰) است.

این پژوهش‌ها فهم سنتی تطبیقگران اردنی از ادبیات تطبیقی را می‌رسانند. تطبیق در باور آن‌ها - همچون سایر تطبیقگرانی که متأثر از مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی هستند - در چگونگی تأثیر دو ملت موضوعیت پیدا می‌کند؛ یعنی تطبیقگر به‌دبیال یافتن رشته‌های اتصال دو ملت و درک ریشه جریان‌های فکری و اثرگذار بر دو فرهنگ است.

۲-۲. پژوهش‌های تطبیقی ادبیات عصر تجدد (مقارنات ادب الحداثة)

مدرنیسم شیوه‌های بیان هنری و ادبی غرب را دچار تغییر و تحول اساسی کرد و ادبیات عرب که متأثر از جریان‌ها و تحولات ادبی غرب بود، نیز تحت تأثیر قرار گرفت. گروهی از تطبیقگران اردنی نیز به بررسی این تأثیر و تأثرات و یافتن پاسخ این پرسش که ادیب عرب‌زبان تا چه اندازه توانسته روح تجدد را در شعر و نثر خویش منعکس کند، روی آورده‌اند.



⁴⁰ خلیل الشیخ در مدارهای تطبیق، مطالعات انتقادی در ارتباط میان خود و دیگری (1998) به سیر تحولات نقد معاصر غرب و تأثیر آن در ادبیات جهان عرب و برخی تأثیر و تأثرات، از جمله بررسی تأثیر نقد اروپایی در آثار محمد حسین هیکل و تأثیر نمایش نامه‌های اروپایی در آثار ادبیان و هنرمندان جهان عرب در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، نظر داشته است.

محمد شاهین (1985) نویسنده، مترجم، استاد و سردبیر مجله *الثقافية* و مؤتله دانشگاه اردن است. وی دکترای زبان و ادبیات انگلیسی را از دانشگاه کمبریج بریتانیا اخذ کرد و پس از بازگشت به اردن، به عنوان مدیر گروه و استاد زبان انگلیسی به تدریس زبان و ادبیات انگلیسی، ادبیات تطبیقی و ترجمه آثار ادبی مشغول شد. مهم‌ترین اثر ترجمه‌شده وی برگردان اشعار محمود درویش به زبان انگلیسی است. از آثار شاهین عبارت‌اند از: «عذرا پاوند و جریان نوگرایی در شعر معاصر»⁴¹ (1981)، «چگونه شعر معاصر عربی راهش را گم کرد؟»⁴² (1986) و داستان کوتاه ادبیات مدرنیسم عربی؛ پاسخ‌های شهرزاد⁴³ (1989) و از جمله آثار تطبیقی وی البوت و تأثیرش بر شعر معاصر عربی⁴⁴ (1992)، «طیب صالح و جوزف کنراد؛ مطالعات ادبیات تطبیقی»⁴⁵ (1985) و «شب‌های عربی در ادبیات انگلیسی»⁴⁶ است. بررسی مقایسه‌ای رمان موسم هجرت به شمال اثر طیب صالح و رمان دل تاریکی اثر جوزف کنراد از آثاری است که به اندیشه پسااستعماری ادوارد سعید اشاره دارد. محمد شاهین کوشیده است با روشنی مقایسه‌ای بازنمودهای استعمارگر و استعمارشده را بیابد. دو رمان بیانگر نوعی رابطه سلطه و برداگی است که در آن فرادست برای فروضت تصمیم می‌گیرد و سرنوشت او را رقم می‌زند. کما اینکه این نگره در مقام گفتمانی استعماری، نوعی مکانیزم سرکوبگرانه است که استعمارگر از رهگذر آن، روند هویت‌زادایی از استعمارشده را اعمال می‌کند و هویتمندی او و درنتیجه امکان مقاومت را از او سلب می‌کند.

علی الشرع (1956) دارای دکترای نقد و شعر معاصر از دانشگاه امریکا و مدرس دانشگاه اردن است. او سردبیر مجلات پژوهش‌های یرموق⁴⁷ دانشگاه یرموق (2001-1998)، مطالعات اربد⁴⁸ دانشگاه اربد (2007-2008) و هنرها⁴⁹ دانشگاه اردن (2009-2010) بود.

از جمله آثار وی ساختار قصیده کوتاه در شعر ادونیس^{۵۰} (۱۹۸۷)، زبان شعر معاصر عربی^{۵۱} (۱۹۹۱) و دو پژوهش تطبیقی با عنوان اسطوره برومیوس و شعر معاصر عربی^{۵۲} (۱۹۹۳) و اروپا و شعر معاصر عربی^{۵۳} (۱۹۹۹) است.

ابراهیم خلیل (۱۹۴۸) نویسنده و استاد دانشگاه اردن، و عضو نه هیئت فرهنگی و کمیته دانشگاهی از جمله انجمن همبستگی نویسنندگان جهان عرب^{۵۴} است. داستان کوتاه در اردن و پژوهش‌های دیگر^{۵۵} (۱۹۹۴)، درآمدی بر داستان و رمان فلسطین^{۵۶} (۱۹۸۴)، پژوهشی در هنر داستان‌نویسی فخری قعوار^{۵۷} (۱۹۹۶)، محمد القیسی شاعر و متن^{۵۸} (۱۹۹۸) و شعر معاصر اردن^{۵۹} (۱۹۷۵) از جمله آثار ابراهیم خلیل است. خلیل در کتاب محمد القیسی شاعر و متن اثرپذیری محمد القیسی^{۶۰} از اسطوره‌های یونانی همچون تروا^{۶۱} و اولیس^{۶۲}، کنعانی، فارسی و بابلی و واژگان اسپانیایی در آثارش را بررسیده است.

بسام علی احمد رباعه (۱۹۶۸) در اربد اردن چشم به جهان گشود. وی در سال ۲۰۰۴ با دفاع از رساله خود با عنوان خیام در ادبیات معاصر اردن با تکیه بر آثار شاعر بزرگ اردن؛ عرار، دکترای زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران دریافت کرد. وی استاد دانشگاه یرمومک اردن است و در زمینه ادبیات معاصر فارسی، پژوهش‌های تطبیقی و ترجمه فعالیت داشته است. از پژوهش‌های وی عبارت‌اند از: «تأثیر اندیشه‌های خیام بر شاعر اردنی تیسیر سبول»، «بررسی و تحلیل داستان رستم و شغاد؛ براساس روایات ثعلبی و فردوسی»، «تحولات قصیده و پیدایش شعر نو در ادبیات عربی و فارسی»، «تلاش‌های عیسی الناعوری در قلمرو خیام‌شناسی»، «جلوه‌های شعر فارسی در آثار جواهری؛ بررسی تحلیلی - تطبیقی»^{۶۳} و «ترجمه و تبادل فرهنگی؛ خوانش‌هایی در فرهنگ زبان فارسی».^{۶۴}

تطبیقگران این دوره، همچون پژوهشگران پیشین، به علت تمکین از غنیمی هلال و اندیشه‌ها و آثار او در سیر همسویی با تحولات عصر (روی کار آمدن مکتب امریکایی و اروپای شرقی [سلافیه] ادبیات تطبیقی) ضعیف عمل کرده‌اند؛ لذا آثار این مؤلفان تقلید صیرف از آثار پیشینیان و تمسک افراطی به مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی است. بررسی آثار معاصر



ادیبان عرب و اثربذیری/ اثرگذاری آن از/ بر ادبیات سایر ملل، بهویژه ادبیات فارسی، از شاخص‌های پژوهش‌های تطبیقی این دوره است.

۲-۳. پژوهش‌های تطبیقی - فرهنگی ادبیات عصر پساتجدد (المقارنات الثقافية وما بعد الحداثة)

در طول دهه‌های گذشته، پسالستعمارگرایی در نظریه‌هایی همچون پساستخوارگرایی، روان‌کاوی و فمنیسم جایگاه خود را به عنوان گفتمان انتقادی شاخص یافته است. ویژگی‌های اصلی میراث روشن‌فکرانه پسالستعماری را می‌توان در کتاب شرق‌شناسی⁶⁵ ادوارد سعید⁶⁶ (چاپ اول 1978) به تفصیل یافت. هدف سعید اثبات این نکته است که هرگونه فعالیت مستشرقان، اعم از پژوهش‌های تاریخی، هنری و حتی موسیقایی، ابزاری در دست استعمار و در خدمت امپریالیسم است. متقدان فرهنگی - سیاسی جهان عرب، از جمله تطبیقگران اردنی، متأثر از آرای سعید دست به قلم بردند. عزالدین المناصره، فخری صالح و محمد شاهین از پژوهشگران برجسته اردنی هستند که به معرفی مکتب‌ها و جنبش‌های نقدی جدید پرداخته‌اند. آن‌ها فعالیت‌های غربیان را که در پس برخی از آثار هنری و ادبی و حتی برخی روزنامه‌ها و مجلات نمود می‌یابد، در سیستمی از بازنمایی‌ها تعریف می‌کنند که توسط چندین نیرو قوام یافته و شرق را به درون دانش و شناخت غربی و درنهایت پذیرش امپراتوری مقهور و مغلوب کرده است.

مناصره شرق‌شناسی و فعالیت‌های ادبی و هنری مدرنیته را فعالیتی بی‌طرفانه نمی‌داند و جنبه سیاسی و ایدئولوژیکی برای آن قائل است و البته آثار مستشرقان و اندیشمندان چپ‌گرا را زمینه‌سازی برای تبادل با امپریالیست‌ها می‌داند. مناصره با نگارش کتاب تبادل فرهنگی و نقد تطبیقی⁶⁷ (1988) بر غنای ادب تطبیقی در زبان عربی افزود. وی در این کتاب بیشتر به بحث‌های نظری با رویکرد ضدامپریالیستی روی آورده است. بخش اول این کتاب حاوی مکتب‌های ادبیات تطبیقی و تعاریف و اصول و ویژگی‌های آن‌هاست.

مناصره به جای اصطلاح ادب تطبیقی، موضوع مثاقفه (دادوستد فرهنگی) را مطرح می‌کند و می‌گوید امروزه بیشتر به بحث ادبی تطبیقی از زاویه جهانی شدن و ادب و فرهنگ جهانی به مفهوم امپریالیستی آن می‌پردازند و از بحث مثاقفه و تبادل فرهنگ، به منزله مباحث مقدماتی ادبیات تطبیقی، گریزان هستند (المناصره، ۱۹۸۸: ۵۷). مثاقفه از نظر او «تغییر فرهنگی» است که درنتیجه وقوع نوعی از ارتباط فرهنگ‌ها حاصل می‌شود. مثاقفه ممکن است با قوّت مورد قبول واقع شود و معنای اتصال و تبادل مثبت فرهنگی را دربرداشته باشد؛ ولی مشکل امروز را در احساس لذتی می‌داند که در تقلید وجود دارد: «مشکل تنها، تبعیت [از فرهنگ و پژوهش‌های کورکورانه نخبگان عرب‌زبان از غرب] به عنوان واقعیت عینی نیست؛ بلکه آنچه دردآور است، احساس لذت و خشنودی آن‌ها [فرهیختگان] از تقلید، دفاع از این الگوبرداری و تبرئه نمودن آن [از آماج انتقادات مخالفان] است» (المناصره، ۲۰۰۵: ۴۴).

مناصره با استفاده از وضعیت ارتباط فرهنگی جهان عرب و غرب و با تکیه بر سخنان سعید درباره استشراف و به نقل از طیب صالح، قصه‌نویس معروف سودانی می‌نویسد: «ما باید در را به روی فرهنگ‌های دیگر همچون چینی، ژاپنی و روسی بگشاییم و از اسارت اروپا آزاد شویم» (المناصره، ۱۹۸۸: ۷۹).

مناصره کتاب نقد فرهنگی تطبیقی، از منظرگاه گفتمان ساختارشکنانه⁶⁸ را در سال ۲۰۰۵ تألیف کرد تا دامنه بحث را از نقد تطبیقی به‌سمت نقد فرهنگی تطبیقی بکشاند. مناصره موضوعاتی همچون متن و زیرساخت، تعدد زیرساخت‌های متعارض و امپریالیسم زبانی و فرهنگی را بررسی کرده است. او در این کتاب، بین کارکرد نقد فرهنگی و نقد فرهنگی تطبیقی تمیز قائل می‌شود. وی معتقد است: «نقد فرهنگی زیرساخت‌های سرکوب شده در داخل ادب یک قوم را بررسی می‌کند؛ درحالی که نقد فرهنگی تطبیقی به متن‌های فرهنگی در تعامل با متن‌های فرهنگی دیگر در جهان می‌پردازد» (المناصره، ۲۰۰۵: ۳۱۳). افزون‌بر این، عزالدین المناصره ادبیات تطبیقی را نقد تطبیقی خوانده است. از نظر او، وقتی تغییرات دو متن را در قالب ادب بررسی می‌کنیم و به میزان اختلاف و اشتراک و نوع تأثیر ثانوی و به‌تعبیر زان ماری کاره⁶⁹ به بررسی روابط روحی میان ملت‌ها و الهام‌های ادبی و کیفیت نویسنده‌گان مختلف از



ادبیات‌های مختلف می‌پردازیم، درواقع به محدوده نقد ادبی قدم نهاده‌ایم. اینجاست که ادبیات تطبیقی رنگ نقد می‌گیرد و به همین دلیل صاحب‌نظرانی همچون مناصره آن را نقد تطبیقی نام نهاده‌اند.

فخری صالح (1957) پژوهشگر، مترجم و نویسنده اردنی است. عمدۀ فعالیت فخری صالح ترجمۀ آثار سعید درباره فرهنگ، امپریالیسم و شرق‌شناسی به زبان عربی و شرح و تفسیر آرای سعید و دفاع از او دربرابر متنقدانش است که به‌حوزی ادامه‌دهنده سیک مناصره است. آثار او عبارت‌اند از: اثرگذاری ادبیات سایر ملل بر شعر معاصر عربی⁷⁰ (1995)، تأثیر ریتسوسوس⁷¹ در شعر معاصر عربی⁷² (1998)، دفاع از ادوارد سعید⁷³ (2000)، ادوارد سعید، پژوهش و ترجمه‌ها⁷⁴ (2009) و ترجمۀ نقد و ایدئولوژی⁷⁵ (1992) اثر تری ایگلتون. صالح در کتاب ادوارد سعید، پژوهش و ترجمه‌ها ضمن معرفی سعید، به شرح مفاهیم شرق‌شناسی و امپریالیسم و اثربازی سعید از فوکو پرداخته است. درمجموع صالح در مقام پژوهشگر ادبیات تطبیقی، بحث خود درخصوص روابط میان فرهنگ و قدرت در دوران استعماری و پسااستعماری را براساس متون ادبی قرار داده است. به نقل از سعید می‌گوید:

ویژگی شرق‌شناسی براساس این اعتقاد بنیان‌گذاری شده است که غرب بر شرق برتری دارد و بهدلیل آنکه شرق ناتوان از شناخت خود است، شرق‌شناسی می‌خواهد به آنان کمک کند تا خود را بشناسند. به عبارتی شرق‌شناسی شرق را هم به شرقیان و هم به غربیان می‌شناساند. اما این شناخت موجب شکل‌گیری هژمونی و سلطهٔ غرب بر شرق می‌شود و چون پتک، این شناخت بر سر شرق می‌نشیند و آن‌ها را مقهور خود می‌سازد (صالح، 2009: 124).

خلیل الشیخ در کتاب پاریس در ادبیات معاصر عربی؛ پژوهشی درباره ماهیت رابطهٔ مرکز و در حاشیه⁷⁶ (1998) دربارهٔ جهانی شدن و تعامل فرهنگی کشورهای سرمایه‌داری (اروپای معاصر) به عنوان کشورهای فرادست و کشورهای جهان‌سومی (جهان عرب) به عنوان فرودست و در حاشیه سخن می‌گوید. روش و رویکرد الشیخ در این کتاب یافتن پیوندهای میان ادبیات و مسائل سیاسی و اجتماعی عصر است. به عقیده او، ایدئولوژی بر ساخته در جامعه طبقاتی به نفع

طبقه بالا عمل کرده و سبب به وجود آمدن جهان تک‌قطبی شده است؛ جهانی که در آن سیاست و قدرت محور قرار می‌گیرد و در حیطه فرهنگی نیز، تمدن برتر به‌شمار می‌آید. خاستگاه این‌گونه تفکر دو عامل ناهمسان است؛ یکی غربی است و یکی شرقی، یکی فرادست است و دیگری فرودست (الشیخ، ۱۹۹۸: ۱۲).

محمد شاهین دیگر پژوهشگر اردنسی است که تحلیل‌های ژرفی از دیدگاه‌های سعید، مسئلهٔ شرق‌شناسی و پساستعمارگرایی، و آرای احسان عباس، درویش و جران به‌دست داده است. ادوارد سعید: رمانی برای نسل‌ها⁷⁷ (۲۰۰۵)، ادوارد سعید: مقاله‌ها و گفت‌وگوها⁷⁸ (۲۰۰۵)، ادوارد سعید: سفر در دنیای فرهنگ⁷⁹ (۲۰۰۷) و ای.ام. فورستر و سیاست امپریالیستی⁸⁰ (۲۰۰۸) از جمله آثار شاهین است. شاهین در کتاب ای.ام. فورستر و سیاست امپریالیستی که به زبان انگلیسی نوشته و محمد عصفور به عربی بازگردانده است، بحث مرکز و درحاشیه را مطرح می‌کند و با بررسی رمان‌های ای.ام. فورستر⁸¹ (رمان‌نویس انگلیسی) به عنوان نهادهای ادبی که صورت فرهنگی برگرفته از حس درونی نویسنده است، بر امپریالیسم انگلیسی می‌تازد: فورستر یکی از رمان‌نویسان و متقدان مشهور انگلیسی در قرن بیستم و به‌ویژه نیمه اول آن است. رمان‌هایش بازتابی از نگرش [فردی] انگلیسی به جامعه و سیاست‌های حکومتش درقبال کشورهای مستعمره است. این کتاب موضع سیاسی فورستر دربرابر مستعمرات انگلیس در مشرق‌زمین را بررسی کرده که دال بر جبهه‌گیری متقد انگلیسی علیه اروپامحوری، گسترش بی‌عدالتی، تحکیم قدرت و تسلط کشورهای مبدأ و احساس انزجار و تنفر او از گسترش بی‌عدالتی به کشورهای درحاشیه است (شاهین، ۲۰۰۸: ۱).

در باور پژوهشگران دوران پساتجدد، تطبیق در حد وسیله است، نه هدف. آن‌ها معتقدند در این پژوهش‌های تطبیقی، چرایی روابط، تأثیرها و نفوذها باید مورد توجه قرار گیرد؛ برای مثال: نفوذ و شهرت ادبی نویسنده بزرگ در کشور دیگر چیست؟ افکار او چگونه تعبیر شده و به چه صورت نشر یافته است؟ آثار او چگونه ترجمه شده و ترجمه‌های متفاوت تا چه حد به امانت و اصالت نزدیک است؟ مجلات ادبی و جزوه‌های انتقادی چگونه این آثار را مورد تنقید



و توجه قرار داده و چه کسانی در شناساندن او مؤثر واقع شده‌اند و کدام کسان او را شناخته و تحت تأثیر وی قرار گرفته‌اند و حدود این تأثیر و نفوذ چه میزان است؟⁸² از میان همایش‌هایی که درباره ادبیات تطبیقی در اردن برگزار شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

پنجمین همایش بین‌المللی تعدد فرهنگی در زبان و ادبیات،⁸³ دانشگاه الزيتونة /17/11/2015

همایش بlagt در نقد، ادبیات و زبان،⁸⁴ دانشگاه الأردنية /19/7/2016

نخستین همایش بین‌المللی ادبیات، زبان و ترجمه،⁸⁵ دانشگاه الطفیلۃ التقنية، ۵/۲/2017

همایش بین‌المللی مطالعات ادبی و نقدی تطبیقی در جوامع عربی،⁸⁶ دانشگاه الجرش، ۹/۴/2018

دومین همایش بین‌المللی ادبیات، زبان و ترجمه،⁸⁷ در دانشگاه الطفیلۃ التقنية، ۴/۲/2019

از نقدهای وارد بر ساختار ادبیات تطبیقی در اردن این است که با وجود گذشت سال‌ها از حضور این شاخه ادبی در این کشور، ادبیات تطبیقی هنوز به صورت رشتہ مستقل در نیامده و همچنان بخشی از رشتہ زبان و ادبیات عربی یا زبان و ادبیات انگلیسی محسوب می‌شود. برخلاف کشورهایی همچون مصر و الجزایر که ادبیات تطبیقی به منزله رشتہ‌ای مستقل در دانشگاه‌های آنجا تدریس می‌شود، این شاخه ادبی در قالب سه یا شش واحد درسی در دانشگاه‌های اردن همچون الیرمونک، إربد، البتراء، الجرش، الطفیلۃ التقنية و مؤتة ارائه و تدریس می‌شود. همچنین در دانشگاه‌های این کشور مجله مخصوص پژوهش‌های تطبیقی وجود ندارد؛ بلکه پژوهش‌های تطبیقی در مجلات ادبی همچون پژوهش‌های یرمونک، مجله فرهنگی⁸⁸ و مطالعات اربد چاپ می‌شود.

3. نتیجه

پیدایی و شکوفایی ادبیات تطبیقی در اردن با فرازوفرودهای فراوانی همراه بوده است. فعالیت‌های تطبیقی پژوهشگران اردنی را به سه دوره یا مرحله می‌توان تقسیم کرد: نخست پژوهش‌های تطبیقی با محوریت آثار سنتی و دوم پژوهش‌های تطبیقی ادبیات عصر تجدد است. پژوهش‌های این دو دوره صرفاً تطبیقی است با بررسی روابط متقابل ادبیات غرب همچون فرانسوی، آلمانی و انگلیسی و ادبیات شرق به‌طور خاص ادبیات فارسی با ادبیات عربی در پرتو مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی و نادیده انگاشتن نظریه‌ها و مکتب‌های جدید همچون مکتب امریکایی و اروپایی شرقی ادبیات تطبیقی. نگاه سنتی تطبیقگران اردنی که بیشتر بر مدار جریان اثبات‌گرایی تأثیر و تأثر تاریخی مکتب فرانسوی می‌چرخیده است، سبب انحصار و محدودیت پژوهش‌های تطبیقی اردن شده و حال آنکه مکتب امریکایی و اروپایی شرقی با نحله‌های جدید پژوهشی این دو مکتب می‌تواند سبب تکثیرگرایی و حضور فراگیر و پویاتر ادب عربی در ادبیات تطبیقی شود.

مرحله سوم، پژوهش‌های تطبیقی - فرهنگی ادبیات عصر پساتجدد است که از گام‌های تطبیقگران اردنی در پیشرفت و بهروزرسانی ادبیات تطبیقی در این کشور محسوب می‌شود. مفاهیمی همچون پسااستعمارگرایی، امپریالیسم و پساشرق‌شناسی که اندیشمندانی همچون سعید در جهان عرب مطرح کرد، موجب ظهور اصطلاح نقد فرهنگی تطبیقی از سوی تطبیقگرانی همچون مناصره شد. ایدئولوژی‌ای که ادبیات تطبیقی در این دوره به خطمشی خود افزود، حوزه کار این رشته را از بررسی تأثیر و تأثرات آثار ادبی به موضوعات نوینی تغییر داده است که بیشتر به زمینه نقد تطبیقی مربوط می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. rapports de fait.
2. Globulation.
3. بی‌جمالیون بین توفیق الحکیم و برناردشو. این مقاله در مجله *الثقافة العربية* قاهره در سال ۱۹۷۵ منتشر شد.
4. جرج برنارد شاو (George Bernard Shaw) (۱۸۵۶-۱۹۵۰م) نمایشنامه‌نویس و منتقد ادبی ایرلندی.



5. نتایج پژوهش مناصره نشان می‌دهد که توفیق الحکیم در به کارگیری بعضی از ویژگی‌های مکتب سمبولیسم، متأثر از نمایشنامه بیگمالیون شاو بوده است.
6. المؤثر المشترک: الشعر البلغاري، (نيكولا فابتساروف نموذجاً)، والشعر الفلسطينى المعاصر.
7. فؤاد الخشن (1924-2004) شاعر و مترجم لبناني.
8. نيكولا واپتساروف (Nikola Vaptsarov) (1909-1942م) شاعر كمونيست بلغارى.
9. «أثر وليام فوكنر في رواية نجمة لكاتب ياسين». نجمة نماد مظلوميت و فرياد ملت الجزائر در سال 1945 است (المناصره، 464: 2005).
10. «أثر وليام فوكنر في رواية ما تبقى لكم لغسان كنفاني». پیام رمان غسان کنفانی این است که هر نوع سستی در راه مقاومت باعث کمرنگ شدن قداست سرزمین می‌شود (زینی وند و قبادی، 1392: 62). مقاله مذکور مناصره در سال 1984 در مجله «المهد» اردن، شماره پنجم، چاپ شد.
11. خشم و هیاهو از مشهورترین و اثرگذارترین رمان‌های جهان است که به سبک جریان سیال ذهن نوشته شده است (زینی وند و قبادی، 1392: 61).
12. ویلیام کاتبرت فاکنر (William Cuthbert Faulkner) (1897-1962م) رمان‌نویس امریکایی و برنده جایزه نوبل ادبیات.
13. فاکنر در این رمان احاطه خانواده اشرافی و نمایندگان جنوب امریکا و ظهور خانواده نوپایی را حکایت می‌کند (ایف تادیه، 1998: 69).
14. النقد الثقافى المقارن.
15. «النص و الآخر؛ المoshحات الأندرسية وشعر الطروبادور».
16. تروبادور (Troubadour) شاعر و نوازنده دوره‌گرد در قرن‌های دوازدهم و سیزدهم میلادی در فرانسه، اسپانیا و ایتالیا.
17. «شعراء فرس فى الأدب العربى».
18. «اللغة الفارسية وأدبها في البلدان العربية».
19. الأوهام فى كتابات العرب عن الخيام
20. عمر الخيام ورباعياته في آثار الدارسين العرب.
21. «جلال الدين الرومي في آثار الدارسين العرب».
22. الترجمات العربية لرباعيات الخيام.
23. فرانسیس اسکات کی فیتزجرالد (Francis Scott Key Fitzgerald) (1896-1940م) رمان‌نویس امریکایی.

24. مصطفی وہبی التل (1899-1949م) ملقب به عرار و معروف‌ترین شاعر اردنی است. اشعار وی دارای مضامین مبارزه با ظلم و مقابله‌جویی با استعمار است.
25. جمیل صدقی الزهاوی (1863-1936م) شاعر کرد و معاصر عراقی.
26. احمد زکی ابوشادی (1892-1955م) پزشک، زبان‌شناس، ناشر و شاعر مصری.
27. احسان عباس (1920-2003م) نویسنده و ناقد فلسطینی.
28. محمد بن احمد بن رشد اندلسی (1126-1198م) فیلسوف نامدار عربی زاده اندلس.
29. ابوریحان محمد بن احمد بیرونی (427-352ق) دانشمند، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس، مؤرخ و انسان‌شناس ایرانی.
30. «الأثر العربي في غناثات الحب الألمانية».
31. ما بعد اليوتوبیات.
32. هلموت بتیگر (Helmut Bottiger) نویسنده آلمانی.
33. الإخورة السود.
34. هانس بندر (Hans Bender) (1919م) داستان‌نویس آلمانی.
35. یورمیات.
36. فرانس کافکا (Franz Kafka) (1883-1924م) نویسنده شهیر آلمانی.
37. رسالة الغفران.
38. نظرية الحب عند الشعراء التروبيادور وأثّرها في دراسة شعر الغزل الأموي.
39. نظرية النظم الشفوي وتطبيقاتها على الشعر الجاهلي: تطبيق جيمس مونرو نمونجاً.
40. دوائر المقارنة؛ دراسات نقدية في العلاقة بين الذات والآخر.
41. «ازرا باوند وحركة التجديد في الشعر الحديث».
42. «كيف ضل الشعر العربي الحديث طرقه؟».
43. *The Modern Arabic Short Story: Shahrazad Returns*. Macmillan Press: London (1989).
44. «البيوت وأثره في الشعر العربي المعاصر».
45. "Tayeb Salih and Conrad: Comparative Literature Studies", University of Illinois (1985).
46. "The Arabian Nights in English Literature (Book Review)", The Yearbook of English Studies, Vol. 22.
47. «أبحاث اليرموك».
48. «ابرید الدراسات».



49. فنون.

50. بنیة القصيدة القصيرة في شعر أدونيس.

51. لغة الشعر العربي المعاصر.

52. الفكر البروميثي والشعر العربي الحديث.

53. الأورفية والشعر العربي المعاصر.

54. اتحاد الكتاب العرب.

55. القصة القصيرة في الأردن وبحوث أخرى.

56. في القصة والرواية الفلسطينية.

57. فخرى قعوار دراسة في فنه القصصي

58. محمد القيسى الشاعر والنصل.

59. الشعر المعاصر في الأردن.

60. محمد القيسى (1944-2003م): شاعر و نویسنده فلسطینی است (حلیل، ۱۹۹۸: ۱۸).

61. تروای شاعر بیانگر حال و روز اسفناک ساکنان حیفا و روایتگر رنج و عذاب اشغال فلسطین است (ملاابراهیمی و پرونین، ۱۳۹۶: ۲۵۳).

62. سمبل سرگردانی و آوارگی و رمز مسافر دور از وطن است (همان، ۲۵۴).

63. «تجلييات الشعر الفارسي في آثار الجواهري: دراسة تحليلية مقارنة».

64. «الترجمة والمثقفة: قراءات في ثقافة اللغة الفارسية».

65. الاستشراق (Orientalism).

66. Edward Said.

67. المثقفة والنقد المقارن.

68. النقد الثقافي المقارن، منظور جلدي تقنيكي

69. ژان ماری کاره (Jean Marie Carré) (1887-1958م) استاد ماریوس فرانسوا گیار در ادبیات تطبیقی (الخطيب، 1999: 102).

70. المؤثرات الأجنبية في الشعر العربي المعاصر.

71. یانیس ریتسوس (1909-1990م) شاعر نوگرای معاصر یونانی.

72. أثر ریتسوس في الشعر العربي المعاصر.

73. دفاعاً عن أدوارد سعيد.

74. إدوارد سعيد؛ دراسة وترجمات.

75. النقد والأيديولوجية.

76. باریس فی الأدب العربي الحديث؛ دراسة فی إشكالية العلاقة بين المركز والأطراف.
77. إدوارد سعید: رواية للأجيال.
78. إدوارد سعید: مقالات وحوارات.
79. إدوارد سعید: أسفار في عالم الثقافة.
80. إم. فورستر وسياسة الأمبريالية.
81. ادوارد مورگان فورستر (Edward Morgan Forster) (1879-1970م) رمان‌نویس و منتقد ادبی و اجتماعی انگلستان.
82. ر.ک: مقالة «نقد فرنگی تطبیقی از دیدگاه عزالدین مناصره» (1397) از زینیوند و نادری.
83. المؤتمر الدولي الخامس التعددية الثقافية في اللغة والأدب.
84. مؤتمر البلاغة بين النقد والأدب واللغة.
85. المؤتمر الدولي الأول؛ الأدب، اللغة والترجمة.
86. المؤتمر الدولي الدراسات الأدبية والنقدية المقارنة في الوطن العربي.
87. المؤتمر الدولي الثاني؛ الأدب، اللغة والترجمة.
88. المجلة الثقافية.

منابع

- اصطفيف، عبدالنبي (2007). العرب والأدب المقارن. دمشق: المنشورات الهيئة العامة السورية للكتاب.
- اف تادیبیه، جان (1998). الرواية في القرن العشرين. مترجم محمد خیر البقاعی. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- پراور، زیگبرت سالمون (1391). «درآمدی به پژوهش‌های ادبی تطبیقی». ترجمه بهنام میرزابابازاده فومنشی. ویژه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی. س. 3. ش. 1. صص 139-150.
- الخطیب، حسام (1999). آفاق الأدب المقارن عربياً وعالمياً. دمشق - سوریه: دار الفکر.
- خلیل، ابراهیم (1998). محمد القیسی الشاعر و النص. بيروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- الزعبي، زياد (2001). «أثر عربي في غنائیات الحب الألمانية». مجلة أبحاث اليرموك. جامعة يرمومك. 1/19. صص 125-151.
- زینیوند، تورج و مصیب قبادی (1392). «اثرپذیری غسان کتفانی و عباس معروفی در رمان‌های 'ما تبکی لكم' و 'سمفوونی مردگان' از خشم و هیاهوی ویلیام فاکنر». فصلنامه لسان مبین. س. 5. ش. 13. صص 58-75.



- شاهین، محمد (2008). *أ.م. فورستر وسياسة الأمبريالية*. مترجم محمد غصفور. القاهرة: المركز القومي للترجمة.
- الشیخ، خلیل (1998). *باریس فی الأدب العربي الحديث؛ دراسة في إشكالية العلاقة بين المركز والأطراف*. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- عباس، احسان (1993). *ملامح يونانية في الأدب العربي*. ط2. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- فخری، صالح (2009). *ابوارد سعید؛ دراسة وترجمات*. بیروت: الدار العربية للعلوم.
- گیار، ماریوس فرانسو (1956). *الأدب المقارن*. مترجم محمد غالب. قاهره: لجنه البيان العربي.
- ملاابراهیمی، عزت و حشمت پروین (1396). «کاربرد اسطوره در سرودهای محمد القیسی». *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*. س 13. ش 49. صص 235-264.
- المناصر، عزالدین (1988). *المثقفة والنقد المقارن*. عمان - اردن: دار الكرمل.
- ——— (2005). *النقد الثقافي المقارن؛ منظور جدلی تفكيكي*. عمان - اردن: دار مجدلاوي.
- نادری، اسماعیل (1393). «الأديب الأردني يوسف حسين بكار ودوره في إرساء أواصر التعاون الأدبي المثمر بين العربية والفارسية». *إضاءات نقبية (فصلية محكمة)*. السنة الرابعة، العدد الثالث عشر. صص 85-102.